

بررسی واژگان و اصطلاحات غربی در تصویرسازی و مضمون‌آفرینی شعر عصر مشروطه «مطالعه موردی اشعار ایرج میرزا»

علی قائم پناه تاج‌آبادی^۱
دکتر مریم غلامرضا بیگی^{۲*}
دکتر مجید حاجی‌زاده عسکری^۳

چکیده

زبان، پدیده‌ای پویا و زنده است که در طول زمان، تحوّل می‌یابد و در وسعت و دامنه آن، دگرگونی‌های زیادی رخ می‌دهد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن، وام‌گیری از سایر زبان‌هاست که در دوره مشروطه، این مسأله در اشعار شاعرانی چون ایرج میرزا، بر اثر عواملی مانند رواج صنعت چاپ در ایران، آشنایی ایرانیان با ادبیات اروپایی، نهضت ترجمه و نشر آثار اروپایی و غیره صورت گرفته است. نویسندگان در این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای به «بررسی واژگان و اصطلاحات غربی در تصویرسازی و مضمون‌آفرینی اشعار ایرج میرزا» پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش، بیانگر این است که ایرج، در اشعار خود به‌وفور از واژگان غربی استفاده نموده و بسامد واژگان فرانسوی در اشعار او در رابطه با اصطلاحات اداری، بیشترین واژگان غربی را به خود اختصاص داده است و اصطلاحات اجتماعی و سیاسی، نظامی، وسایل غربی در زندگی روزمره، مکان‌های مدرن، فرهنگی و ادبی، علمی، به ترتیب در رتبه بعدی قرار دارند. شاعر در این راستا، بیشتر به شیوه طنز، از صنایع بدیعی و بیانی استفاده نموده تا از این طریق بتواند مردم را با اوضاع زمانه‌اش بهتر آشنا سازد.

واژگان کلیدی: ایرج میرزا، تصویرسازی، مضمون‌آفرینی، واژگان فرانسوی، واژگان روسی.

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه شهید حاج قاسم سلیمانی، کرمان، ایران.

Email: tajabadii@yahoo.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه شهید حاج قاسم سلیمانی، کرمان، ایران.
(نویسنده مسئول)

Email: beigi@iauk.ac.ir

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه شهید حاج قاسم سلیمانی، کرمان، ایران.

Email: M.hajizadeh@iauk.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۲

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲

مقدمه

در دوره مشروطه همگام با تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، در ادبیات این دوره هم، تحولات بسیاری رخ داد و بررسی این ریشه‌ها و عوامل این تحولات، حائز اهمیت است. در این دوره، نثر فارسی از کلاسیک به سمت نوگرایی تغییر یافت. یکی از این تغییرات، رویکرد تازه‌ای است که نویسندگان این دوره با نزدیک شدن به مردم کوچه و بازار و به‌کارگیری زبان عامیانه برای انتقال تفکرات مشروطه‌خواهی اتخاذ کردند. تحولات عمده و زیر بنایی آثار ادبی پارسی در عصر مشروطه، تحت تأثیر عواملی چند از جمله رواج صنعت چاپ در ایران، گسترش روزنامه‌نویسی، آشنایی ایرانیان با ادبیات اروپایی، نهضت ترجمه و نشر آثار اروپایی، اعزام دانشجویان به اروپا و غیره صورت گرفته است. به دنبال تغییر در شیوه اجتماعی جامعه، تحولاتی در عرصه نثر و شعر اتفاق افتاد در حوزه نثر جز ترجمه داستان‌ها و نوشته‌های اروپاییان، آثار و نوشته‌هایی رواج یافت که با دست‌نوشته‌های گذشتگان تفاوت‌های چشمگیر داشت. زبان نوشته‌ها به زبان مردم نزدیک شد. پیش از این به دلیل انحصار نوشته‌ها به درباریان، نثر متکلف بود؛ اما در این دوره، مثل‌ها، اصطلاحات و تجارب زندگی مردم عادی به ادبیات راه پیدا کرد. موضوع نوشته‌ها نیز زیر و رو شد. مضمون‌آفرینی‌ها و تصویرگرایی شکل دیگری به خود گرفت و به خاطر آشنایی بیشتر با آثار اروپائیان، واژگان و اصطلاحات غربی به تصویرسازی و مضمون‌آفرینی شعر عصر مشروطه راه پیدا کرد. میل به کاربرد عناصر زبان گفتار و بهره‌مندی از قابلیت‌های بالقوه این زبان در شعر، لزوم بررسی این‌گونه زبانی در شعر این دوره را بیش از پیش نمایان ساخت و واژگان جدید به زبان معاصر وارد شد که کاربرد واژگان غربی نیز از همین مقوله به حساب می‌آید.

ایرج میرزا از جمله شاعران برجسته و تأثیرگذار عصر مشروطه است که در متحول کردن شعر فارسی و عبور آن از سنت به سوی تجدد، نقش داشت. شعر ایرج میرزا هم در زمینه فرم و مضمون و هم محتوا، روی به‌جانب تغییر و نوگرایی دارد. این تجدیدطلبی ایرج میرزا، اتفاقاً عمدی و آگاهانه بود؛ به طوری که او را به سرودن منظومه‌ای به نام انقلاب ادبی و بحث پیرامون همین موارد واداشت. دوره اول شاعری او مشتمل بر قصیده‌های مدحی و اشعار کاملاً سنت‌گرایانه و

دوره دوم با تغییر محسوس در فرم زبان و نو شدن محتوا همراه است. ملک‌الشعراى بهار، ایرج میرزا را سعدى نو لقب داد و او را پدیدآورنده شعر نو در روزگار خود دانست. یحیی آرىن‌پور هم در کتاب «از صبا تا نیما»، ایرج میرزا را از پیشوایان عمده انقلاب ادبى در ایران معرفی کرده است. نوآوری در کاربرد واژگان و صورخیال، بسامد بالای به کار بردن ضرب‌المثل، طنز و زبان محاوره، نفوذ کلمات غربی و ردپای ترجمه در آثار ایرج میرزا این واقعیت را مى‌رساند که مسأله تجدد در شعر او، قابلیت غور و بررسی گسترده‌ای دارد.

پیشینه تحقیق

در رابطه با شعر ایرج میرزا، پژوهش‌های گسترده‌ای به صورت کتاب، پایان‌نامه و مقالات صورت گرفته است؛ ولی پژوهش‌هایی که تا حدودی با موضوع این مقاله مرتبط است می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- کمالی نهاد و حرمت مصلح رشت‌آبادی (۱۳۹۶)، در مقاله «تحلیلی بر واژه و تصویر و نقش آنها در ساخت فضای شعر در غزلیات ملک‌الشعرا بهار»، به این نتیجه رسیده‌اند که فضا سازی در شعر بهار موجب تجسم عینی تجربه و افزایش نیرو در القای عاطفه و معنا در مخاطب شده است.
- کامران کله‌بستی (۱۳۹۴) در مقاله «تحولات سبکی شعر عصر مشروطه»، بدین نتیجه رسیده‌اند که تغییرات سبکی به وجود آمده در شعر مشروطه، زمینه‌های فکری و ادبی لازم، برای پیدایش نوع جدیدی از شعر را که بعدها به شعر نو موسوم گردید، فراهم آورده است.
- حسینی کازرونی (۱۳۹۱)، در مقاله «تحولات و ویژگی‌های شعر عصر مشروطه»، بدین نتیجه دست یافته است که شعر فارسی در این دوره از تقلید مضامین پیشینیان روی برگردانده و از حوزه مدح و ستایش مستکبران حکومت‌ها و درباریان، خارج شده و رهایی یافته است.
- بایش جبار (۲۰۲۰)، در مقاله «التشبيه فی اشعار ایرج میرزا»، بدین نتیجه دست یافت که ایرج میرزا نه تنها مضمون و محتوای شعر را مطابق خواست‌های جامعه تغییر داده، بلکه طرز گفتار جدیدی را به میان آورده است.

- محسنی نیا و دولتپاری (۱۳۹۷)، در مقاله «بررسی عنصر زیبایی بیرونی در شعر قلب مادر ایرج میرزا»، بدین نتیجه دست یافتند که تصویری که ایرج میرزا از مادر در اشعارش آورده است، تصویری متفاوت با تصاویر ارائه‌شده از دیگر شاعران است.
- توسلی (۱۳۹۱)، در مقاله «بوطیقای ایرج میرزا»، به این موضوع اشاره کرده است که سادگی و روانی، دو ویژگی مهم شعر ایرج است و اما بسامد موارد خروج از نرم در اشعار او بسیار بالاست و خروج از هنجار ایرج، خود یک هنجار است و جزء بوطیقای او محسوب می‌شود.
- از آنجا که تاکنون در هیچ پژوهشی به‌طور مستقل و منسجم به موضوع بررسی واژگان و اصطلاحات غربی در تصویرسازی و مضمون‌آفرینی شعر عصر مشروطه «مطالعه موردی اشعار ایرج میرزا» پرداخته نشده است؛ لذا ضرورت انجام تحقیقی در این زمینه وجود دارد.

روش تحقیق

از لحاظ روش، این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است که با تجزیه و تحلیل محتوایی و فکری اثر، انجام شده است و از دیدگاه هدف، این پژوهش، بنیادی است. شیوه گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز به شیوه تحلیل محتوا است. در این پژوهش به «بررسی واژگان و اصطلاحات غربی در تصویرسازی و مضمون‌آفرینی اشعار ایرج میرزا» پرداخته شده است و لازم به یادآوری است، تاکنون درباره این موضوع، تحقیقی صورت نگرفته و مقاله حاضر، اولین پژوهشی است که در این خصوص انجام شده است.

مبانی پژوهش

تصویرسازی

یکی از عناصر اصلی شعر که بی‌هیچ شک و تردیدی، باید هر شعری آن را دارا باشد و حتی در شعر سپید هم مورد تأکید قرار گرفته، «عنصر خیال است که آن را جزء جوهره شعری و فصل مقوم شعر نیز دانسته‌اند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۹۰) تصویرهای شعری بسته به عمق خیال

و عاطفه شاعران، متفاوت با یکدیگرند. «از دیدگاه شفیعی کدکنی، خیال به معنی مجموعه تصرفات بیانی و مجازی در شعر است و تصویر با مفهومی اندک وسیع‌تر که شامل هرگونه بیان برجسته و مشخص باشد، است.» (جعفری کمانگر و فیروز جایی، ۱۳۹۹: ۲۴۲)

مضمون‌آفرینی

مضمون‌آفرینی، ایجاد و یا کشف رابطه و پیوند تازه میان امری ذهنی با عینی است که در ظاهر هیچ پیوندی میان آنها نیست. از این رو آن را نوعی تظاهر فرمیک ظرفیت‌های زبانی و نوعی موضع‌گیری خاص در قبال امکانات زبان شعر دانسته‌اند. با انقلاب مشروطه، مبانی فکری ایرانیان، تحت تأثیر غرب، دچار تغییرات بنیادین شد. این تغییرات که نخست در ابعاد مختلف زندگی بروز کرد به سرعت بر شیوه‌های بیان ادبی و شاعرانه تأثیر گذاشت و سبب شد شاعران به تدریج، ضرورت بازنگری در اسلوب‌های شعری کهن را بپذیرند و به شیوه‌های تازه‌ای در بیان شاعرانه روی آورند. از این دوره به بعد، در کنار سروده‌های فاخر ادبی، اشعار دیگری نیز سروده شدند که زبان و محتوای آنها از زبان، زندگی و فرهنگ عمومی مردم گرفته شده بود و مخاطبان آن، نه تنها عموم مردم که حتی بی‌سوادان را نیز شامل می‌شد. لغات و ترکیبات این اشعار ساده، اوزان آنها روان و مفاهیمشان عمومی و مربوط به زندگی روزمره اجتماعی و سیاسی مردم بود؛

از جمله شاعران مشروطه ایرج میرزا بود. وی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اخلاقی و سیاسی زمانه خود سروده‌های ارزشمندی را در قالب‌های شعری گوناگون با استفاده از تصویرسازی و مضمون‌آفرینی به ادبیات فارسی تقدیم کرد که نیروی محرکی برای پیشبرد اهداف اجتماعی و فرهنگی زمان حیاتش بود. در این راستا این پژوهش به بررسی واژگان و اصطلاحات غربی در تصویرسازی و مضمون‌آفرینی شعر ایرج میرزا در عصر مشروطه می‌پردازد.

بحث و بررسی

تصویرسازی و مضمون‌آفرینی وام‌واژگان غربی در اشعار ایرج میرزا

مراد از کلمات و اصطلاحات جدید، واژه‌هایی است که بر اثر شرایط جدید اجتماعی و فرهنگی در اواخر دوره قاجار در زبان فارسی پدیدار شدند. این کلمات، اصل فارسی یا عربی دارند و دخیل به حساب نمی‌آیند و بخش عمده‌ای از آنها، شامل اصطلاحات سیاسی و اداری است که بیشترشان با انقلاب مشروطه ارتباط دارد. این نوع الفاظ سیاسی در میان اهل فرهنگ و ادب عصر مشروطه، حداقل سنت‌گرایانی چون ادیب نیشابوری رایج بود و به گفته یحیی آرین پور «گاهی در کاربرد بعضی از آنها نیز افراط و کار به ابتذال و سخافت کشیده می‌شد.» (آرین پور، ۱۳۸۷: ۱۲۲) البته بسامد این‌گونه لغات و تعبیرات سیاسی در شعر ایرج از دیگر شاعران هم‌دوره او کمتر است. این لغات ابتدا به نثر فارسی راه یافتند و همین امر مقدمه دگرگونی زبان شعر شد.

برخی اشیا و پدیده‌های مادی جدید نیز در دسته دوم لغات نو و تازه، جای می‌گیرد و همچنین نام اماکن و مناطق جغرافیایی آن دوره از همین گروه است. مقصود این نیست که تمام این لغات دقیقاً در همان عصر و دوران به وجود آمده‌اند؛ بلکه ورود آنها به عرصه شعر در آن مقطع رخ داده است. بعضی از الفاظ جدید در شعر ایرج، دخیل هستند و ریشه غیرفارسی دارند. مثل لاستیک، شکلات، تلفن، گاری، پول و... اما تا آن زمان به‌قدری درون زبان فارسی رواج یافته بودند که دیگر جزو کلمات فرنگی محسوب نمی‌شدند. نام اکثر ابزارها و وسایل مدرن در این دسته قرار می‌گیرد. برخی از اصطلاحات خارجی عرصه سیاست از جمله لیدر، پارلمان، دموکرات و... که در بین شاعران مشروطه، کاربرد زیادی داشتند، از این نوع‌اند. قابل توجه این است که هرگاه ایرج به محتوای جدید و درون‌مایه‌های تجدد خواهانه روی می‌آورد، زبان و واژگان شعرش نیز تازه و نو می‌شود؛ بنابراین در اشعار او میان الفاظ و مفاهیم جدید، ارتباط متقابلی وجود دارد. در ادامه کلمات جدید به کار رفته در اشعار نوگرایانه ایرج در ذیل همین دسته‌بندی‌ها معرفی می‌شود:

اصطلاحات اداری

آرشیو: «(فر) Archives» جایی که در آن اسناد، تصاویر، صفحات موسیقی، نوار و مانند آنها را نگهداری می‌کنند. (انوری، ۱۳۸۲: ۲۸/۱)، وام‌واژه «آرشیو»، معادل «بایگانی» است. (پارسای، ۱۳۸۵: ۷) وجود واژه‌هایی مانند «آرشیو» در اشعار ایرج میرزا، بیانگر تأثیرپذیری مستقیم و گسترده‌برداری سیستم اداری آن دوره از سیستم اداری کشورهای غربی و اروپایی بوده است. ایرج میرزا می‌گوید:

ابتدا گردی ثبات و سپس آرشیو پست بعد منشی شوی و بعد رییس دفتر

(ایرج میرزا، ۱۳۹۷: ۲۵)

در بیت فوق، شاعر با استفاده از کلمات «آرشیو / منشی / رئیس دفتر»، در قالب آرایه مراعات‌النظیر و سپس با استفاده از کلمات «منشی / رئیس» در قالب آرایه تضاد، سیستم اداری و سلسله‌مراتب اداری عصر خود را به تصویر کشیده است.

بورو: «(فر) Bureau» میز و دفتر کار. (معین، ۱۳۶۲: ۱ / ۱۸۵) در بیت زیر ایرج میرزا واژه فرنگی «بورو» را، به‌کاربرده است:

گاه بازنگو زمانی با هو پیش خدمت طلبیدم به بورو

(ایرج میرزا: ۱۲۴)

شاعر در بیت فوق، واژه «هو» (به معنای هیاهو)، با واژه فرنگی «بورو» قافیه کرده است. شاعر با کلمات (زنگ / هو / پیشخدمت / بورو) آرایه مراعات‌النظیر، ساخته و به‌گونه‌ای به سیستم شلوغ اداری در عصرش اشاره کرده است.

پاراف: «(فر) Paraphe» صورت کوتاه شده امضا. (انوری، ۱۳۸۲: ۱ / ۴۳۰)؛ وارد شدن واژه‌هایی چون «پاراف» در ادبیات اداری دوره شاعر، بیانگر تأثیرپذیری سیستم اداری و حتی نگارش مکتوبات، تنظیم اسناد و نامه‌های اداری، از نحوه نگارش این موارد در بروکراسی غربی و اروپایی است. در بیت ذیل، ایرج میرزا وام‌واژه «پاراف» را به همراه معادل آن یعنی «امضا»، در یک مصراع به کار برده است:

هی پاراف هشتم و امضا کردم خاطر مدعی ارضا کرد

(ایرج میرزا: ۱۲۴)

شاعر در بیت فوق، از واژه و اصطلاح رسمی و باب روز؛ یعنی واژه اداری «پاراف» استفاده کرده است. وی با به‌کارگیری واژگان «پاراف / امضا» در قالب آرایه مراعات‌النظیر و همچنین فعل عامیانه «هشتن» (گذاشتن) و با استفاده از جناس اختلافی در کلمات (امضا / ارضا) به مکاتبات اداری عصر خود اشاره کرده است.

پرسنل: «(فر)» (personel) شخصی، خصوصی، مربوط به شخص، مشغول به خود، مجموع کارکنان یک اداره، مجموع کارمندانی که مشغول کاری باشند، کارگزینی. (عمید، ۱۳۵۹: ۱ / ۳۶۰)؛ با توجه به تأثیر بسیار زیاد اروپا و غرب در دوره صفویه و قاجار بر ایران، استفاده از وام‌واژگانی چون «پرسنل» در شعر شاعرانی چون ایرج میرزا، نشانگر تأثیر قوی و نیز گرایش فارسی‌زبانان در استفاده از این گونه وام‌واژگان است:

اندرین دایره یک آدم نیست پرسنل نیز به آن منظم نیست

(ایرج میرزا: ۱۲۳)

در بیت فوق، شاعر با استفاده از واژگان (دایره / پرسنل) در قالب آرایه مراعات‌النظیر، به فساد اداری عصرش و سهل‌انگاری کارمندان در اداره‌ها اشاره دارد. دایره در بیت فوق، استعاره از عصر و زمان است.

پونز: «(فر)» (Punaic) میخ کوتاه فلزی که ته آن پولک دارد و آن را با فشار سر انگشت به چیزی فرومی‌کنند. (عمید، ۱۳۵۹: ۱ / ۳۸۵)

پنس: «(فر)» (Pince) گیره، انبر، انبر کوچک، گاز انبر، گیره زلف. (همان: ۱ / ۳۸۱)

سوزن آوردم و سنجاق زدم پونز و پنس به اوراق زدم

(ایرج میرزا: ۱۲۴)

فعل زدن در بیت فوق به‌صورت آرایه مجاز به کار رفته است. شاعر با استفاده از فعل مرکب (پونز زدن / پنس زدن) و با آوردن واژگان (سوزن / سنجاق / پونز / پنس / اوراق) در قالب آرایه

مراعات‌النظیر، به سردی و بی‌مزگی شعر تجدد طلبان اشاره دارد و سیستم اداری عصرش را به تصویر کشیده است.

دوسیه: «(فر) «Dossier» پرونده» (صدری افشار، ۱۳۷۵: ۵۶۷)

کارتن: «(فر) «Carton» جلد مقوایی اوراق پوشه، جعبه مقوایی که برای بسته‌بندی وسایل به-کار می‌رود.» (انوری، ۱۳۸۲: ۲ / ۱۷۵۲)

شاعر، هر دو وام‌واژه را در بیت ذیل به‌کار برده است. هر دو واژه از ملزوماتی هستند که در بایگانی مکتوبات و مستندات در سیستم اداری کاربرد دارد:
هی بده کارتن و بستان دوسیه هی بیار از در دکان نسیه

(ایرج میرزا: ۱۲۴)

در بیت فوق می‌توان تأثیرپذیری بخش اداری آن دوره از سیستم اداری غرب و اروپا را به‌وضوح مشاهده نمود. شاعر با استفاده از واژگان متضاد (بده / بستان) و واژگان مراعات‌النظیر (کارتن / دوسیه) به سیستم اداری دوران‌ش و به‌طور ضمنی به اوضاع بد اقتصادی عصر خود اشاره کرده است. نسیه کردن مردم از بازار نتیجه اوضاع بد اقتصادی و بی‌پولی است. در ترکیب هی بیار، حذف به قرینه معنوی صورت گرفته است و مراد هی جنس و کالا را بیاور.

شمیز: «(فر) «Shemise» پیراهن، لفافه کاغذی که اسناد و نوشته‌های راجع به یک موضوع را در آن می‌گذارند، پوشه.» (عمید، ۱۳۵۹: ۱ / ۸۵۷) ایرج میرزا در بیت ذیل، واژه «شمیز» را به معنای «پوشه» به کار برده است:

هی نشستم به مناعت پس میز

هی تپاندم دوسیه لای شمیز

(ایرج میرزا: ۱۲۴)

شاعر در بیت فوق، از واژگان «دوسیه / شمیز» در قالب آرایه مراعات‌النظیر و همچنین از کلمات (نشستن / میز) استفاده کرده است. کاربرد واژه عامیانه «هی» به معنی مداوم است. و فعل عامیانه «تپاندم» کنایه از قرار دادن چیزی در جای خود، است.

نُت: «(فر) Note» یادداشت، تذکره، علامت، تفسیر، حاشیه، سیاه، بند، الفبای مخصوص موسیقی داری هفت گام به نام دوو، ر، می، فا، سل، لا، سی.» (عمید، ۱۳۵۹: ۱ / ۱۲۰۱)؛ «الفبای موسیقی، سیاهه، یادداشت.» (معلم، ۱۳۶۲: ۲ / ۲۲۸۳)

آنکت: «(فر) Enquete» بازرسی.» (عمید، ۱۳۵۹: ۱ / ۸۷)

بروت: «(فر) brute» خام.» (همان: ۱ / ۲۲۵)

نِت: «(فر) net» واضح و روشن.» (همان: ۱ / ۱۲۰۱)

آشنایی مردم در عصر مشروطه با فرهنگ غرب در ابعاد مختلف بر فرهنگ ایران تأثیرگذار بود. طبیعتاً هنر نیز مانند دیگر عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از این داستان بی‌نصیب نبود. موسیقی یکی از همین موارد است که تحت تأثیر اصول موسیقی غرب، دچار تغییر و تحول گردید. این تحولات همراه با ورود یک سری وام‌واژه‌ها در حوزه موسیقی بود. «نِت» یکی از همین وام‌واژگان است که ایرج میرزا آن را در کنار واژگان دیگر غربی به کار برده است: بس که نُت دادم و آنکت کردم / اشتباه بروت و نِت کردم

(ایرج میرزا: ۲۴)

شاعر در بیت فوق، واژه «نِت» را به معنای موسیقی به کار برده و با آوردن واژه «آنکت» در کنار آن، از صنعت ادبی مراعات‌النظیر بهره جسته است. همچنین در مصراع دوم، دو واژه متضاد (بروت / نِت) را به کار گرفته است. همچنین در واژگان «نِت / نِت» صنعت جناس ناقص حرکتی به کار رفته است. در واقع بیت فوق، به اوضاع سیستم اداری عصر شاعر اشاره دارد. نت دادن و آنکت کردن، افعال کنایی است که به صورت جعلی با وام‌واژه‌های خارجی، همراه با همکردهای فارسی، ساخته شده‌اند.

شیفر: «(فر) Shifre» رقم.» (آریان پور، ۱۳۸۷: ۸۵۰)

نومرو: «(فر) Numero» شماره.» (همان: ۸۸۵)

زرو: «(فر) zero» صفر.» (همان: ۷۶۰)

چه کنم زان همه شیفر و نومرو / نیست در دست مرا غیر زرو

(ایرج میرزا: ۱۲۴)

شاعر در بیت فوق، برای نشان دادن سردی و بی‌مزگی شعر تجددطلبان، به شیوه آنان شعر می‌سراید و با استفاده از واژگان (شیفر / نومرو / زرو) در قالب آرایه مراعات‌النظیر، به نابسامانی سیستم اداری عصرش اشاره کرده است و با زبان کنایی به اینکه هیچ قدرت و مقامی را در دست ندارد، اشاره نموده است. زرو در دست داشتن، کنایه از خالی بودن دست و ضعیف بودن است.

اصطلاحات نظامی

آژان: «(فر) «Agent» کارگزار، نماینده، پاسبان» (عمید، ۱۳۵۹: ۱ / ۳۰)، «(فر)

«آژان» یکی از واژگان وام گرفته از زبان فرانسه است که در زبان فارسی، چه در گذشته و چه در زمان حال که در مواردی خاص به کار برده می‌شود، بار چندان معنایی مثبتی نداشته و ندارد. شاید علت اصلی این بار معنایی، سختگیری‌ها و سوءاستفاده‌هایی بوده است که این قشر با استفاده از موقعیت شغلی خود، در برخورد با مردم انجام می‌داده‌اند. البته استفاده از این وام‌واژه فرانسوی در بیت ذیل، نشانگر تأثیرپذیری ساختار نیروی امنیتی در شهرها از ساختار پلیس در اروپا و غرب بوده است. ایرج میرزا می‌گوید:

چه کنم؟ چاره جز انکار در آن موقع نیست به آژان گوید اگر بیشتر اصرار کنم؟

(ایرج میرزا: ۳۷)

شاعر در بیت فوق، با استفاده از ساختار آوایی کلماتی چون «چاره / انکار / اصرار» در کنار واژه «آژان»، با استفاده از صنعت مراعات‌النظیر بر سختگیری‌ها و سوءاستفاده نیروهای امنیتی در عصرش اشاره کرده است. همچنین ایرج با استفاده از عبارت «چه کنم؟» در قالب سؤال بلاغی و عبارت «چاره جز انکار... نیست» به عجز مردم در برابر قدرت و زورگویی نیروهای امنیتی (آژان) اشاره کرده است.

پوتین: «(فر) «Bottin» کفش ساقه بلند که ساق آن تا مچ پا می‌رسد.» (انوری، ۱۳۸۲: ۱/۵۰۱)

«پوتین» جزء لباس‌های غربی بوده که در عصر مشروطه وارد ایران گردید و پوشیدن «پوتین»، نماد تجددگرایی محسوب می‌شد. در بیت زیر، شاعر با آوردن این واژه در کنار دیگر لباس‌ها و وسایلی که بیشتر آنها غربی هستند، به تجددگرایی اشاره کرده است:

یقعات پاک و کلاهت نو و سردست تمیز عینک و دستکش و ساعت و پوتین درخور

(ایرج میرزا: ۲۴)

در بیت فوق، شاعر با استفاده از آرایهٔ مراعات‌النظیر، در واژگان (پاک / نو / تمیز) و (یقه / کلاه / سردست / عینک / دستکش / ساعت / پوتین) به سیستم نظامی عصرش اشاره دارد که نوعی تجلّدگرایی محسوب می‌شده است.

به پا پوتین و در سر چادر فاق نمایی طاقت بی‌طاقتان طاق

(ایرج میرزا: ۲۴)

پوتین به پا داشتن کنایه از تجلّد و مدگرا بودن است؛ و شاعر در بیت این نکته را گوشزد کرده است که با پوشیدن چادر (سنت‌گرایی)، به دنبال مد روز (پوشیدن پوتین) هستی یعنی حتی باوجودی که چادر به سر داری با پوشیدن پوتین مد روز جلوه فروشی و جلب توجه می‌کنی.

ژاندارمری: «(فر) geandameri» اداره‌ای که عهده‌دار حفظ نظم و آرامش و اجرای قوانین و مقررات در روستاها و راه‌های خارج شهر و نقاطی است که شهربانی وجود ندارد.» (عمید، ۱۳۵۹:

۱ / ۷۵۰) «ژاندارم» و «ژاندارمری» در اشعار ایرج میرزا، دارای بار منفی همچون زورگویی، سختگیری و همچنین مکانی است که بی‌منطقی در آن حکم‌فرما می‌باشد:
یکی ژاندارمری برپا نموده که دنیا را پر از غوغا نموده

(ایرج میرزا: ۸۷)

به هرجا یک جوانی با صلاح است در این ژاندارمری تحت سلاح است

(همان: ۸۷)

در بیت اول، عبارت کنایی «برپا نمودن» کنایه از ایجاد کردن است و شاعر با آوردن این عبارت کنایی، در کنار وام‌واژهٔ «ژاندارمری» به زورگویی‌ها و آشوب‌ها و بی‌نظمی‌های این دسته از افراد اشاره کرده است. دو کلمه (صلاح / سلاح) آرایهٔ جناس تام دارد.

گروهی بچه ژاندارمند در وی که اللهم احفظهم من الغی

(همان: ۸۷)

شاعر در این بیت با توجه به ابیات بعدی، بچه ژاندارم را به شیر عبوس در خانه و عروسان تشبیه کرده است.

کلنل: «(فر) «colonel» سرهنگ». (عمید، ۱۳۵۹: ۱ / ۱۰۱۴) ایرج میرزا در وصف کلنل علینقی وزیری در منظومه زهره و منوچهر، از زبان زهره گفته است:

من کلنل را کلنل کرده‌ام پنجه وی رهن دل کرده‌ام

(ایرج میرزا: ۱۱۵)

شاعر در بیت فوق، از آرایه جناس استفاده کرده؛ زیرا «کلنل» اول به معنای (کلنل علینقی وزیری) و کلنل دوم به معنای (سرهنگ) می‌باشد. همچنین کلنل اول، مجاز به علاقه عام از علینقی است. عبارت کنایی «رهن دل کرده‌ام» کنایه از ربودن دل و تحت تأثیر قرار گرفتن و شیفته و عاشق شدن است. مصراع دوم تلمیح به نوازندگی موسیقی توسط کلنل دارد. همچنین پنجه، مجاز به علاقه کلیت، به معنی انگشت دست می‌باشد.

ماژر: «(فر) «Magor» سرگرد و یاور». (عمید، ۱۳۵۹: ۱ / ۱۰۲۸) وام‌واژه «ماژور» معادل «سرگرد» در زبان فارسی است.

نیست در اینجا ماژری، محبسی منصب تو از تو نگیرد کسی

(ایرج میرزا: ۲۲)

شاعر در بیت فوق، با آوردن واژگان (ماژر / محبس / منصب) در قالب آرایه مراعات‌النظیر، به اوضاع نابسامان نظامی و سخت‌گیری‌های بی‌منطق در عصرش اشاره کرده است.

اصطلاحات اجتماعی و سیاسی

آمور: «(فر) «Amour» به معنای عشق می‌باشد. (معین، ۱۳۶۲: ۱ / ۳۸).

تو بمیری ز آمور افتادم از شر و شور و شعور افتادم

(همان: ۳۸)

ایرج، در بیت فوق با زبان طنز به بی‌ارزش و بی‌مزه بودن شعر تجدّدطلبان اشاره کرده است. وی با استفاده از عبارات کنایی از «آموختادن» و «از شر و شور و شعور افتادن» در قالب کنایه و طنز می‌خواهد «بی‌رمق و ناتوان شدنش» را در برابر اشعار بی‌ارزش تجدّدطلبان بیان کند. همچنین در مصراع دوم شاعر از ساختار آوایی حرف «ش» در سه کلمه (شر / شور / شعور) در قالب آرایه جناس افزایشی برای بیان مقصودش استفاده کرده است تا کلامش بهتر در جان مخاطب بنشیند.

امپریال: «(فر) Imperial» به معنای امپراتوری، شاهنشاهی و نام سکه‌ای طلا که قدیم در دوره تزاری در روسیه رایج بوده است. (عمید، ۱۳۵۹: ۱ / ۲۳۱) ایرج میرزا این واژه را به شیوه طنز در بیت زیر به کار برده که قسمتی از قصیده وی درباره ارتباط خرسوارها و چپ‌کش‌ها به نرینه بازی می‌باشد:

کیسه را پر کنم از اشرفی و امپریال جای زر خاک به دامن طلب کار کنم

(ایرج میرزا: ۳۹)

در بیت فوق، کلمه اشرفی به معنای «سکه‌ای به اندازه نیم پهلوی، کمی نازک‌تر در ۱۸ نخود وزن» بوده و واژه «امپریال» به معنای «سکه‌ای طلا بزرگ‌تر از اشرفی» می‌باشد. در این بیت، بین واژگان «کیسه / اشرفی / امپریال / زر» آرایه مراعات‌النظیر وجود دارد. هدف شاعر از کاربرد این‌گونه واژه‌ها، بیان اوضاع فاسد جامعه بوده است. در مصراع دوم با استفاده از عبارت «خاک به دامن طلب کار کردن» کنایه از دادن چیز بی‌ارزش به کسی است. ایرج به زبان طنز، به بی‌ارزشی و پست بودن گروهی از افراد جامعه - که همان خرسوارها و چپ‌کش‌ها بودند - اشاره کرده است.

انژکسیون: «(فر) Anjecsion» تزریق، سوزن زدن، آمپول زدن، داخل کردن داروی مایع در رگ یا عضله به وسیله سرنگ. (عمید، ۱۳۵۹: ۱/۲۴۴) ایرج میرزا در بیت ذیل از واژه «انژکسیون» استفاده کرده و می‌گوید:

کند بنای دل او را ز بن کرد به وی عشق خود انژکسیون

(همان: ۱۱۷)

شاعر در بیت فوق، با استفاده از واژه فرنگی «انژکسیون» فعل جعلی «انژکسیون کردن» را ساخته است. در این بیت، بین کلمات (بنا / بن)، (دل / عشق) آرایه مراعات‌النظیر، به کار رفته است. فعل «انژکسیون کردن» کنایه از تزریق کردن، به مفهوم والای عشق اشاره دارد.

پلتیک: «(فر) «Politique» سیاست، حقه‌بازی، نیرنگ.» (قریب، ۱۳۷۷: ۲۱۸)؛ «سیاست و اصل آن، پللیتیک است.» (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۱۵۸)

«پللیتیک» نیز از آن دسته وام واژگان فرانسوی است که هم در زبان نوشتاری و هم زبان کوچه و بازاری، دارای بار منفی‌ای همچون نیرنگ و حقه‌بازی است. در این بیت پلتیک در بار منفی به کار رفته است:

گویند که انگلیس با روس کرده ست عهدی تازه امسال
کاندر پلتیک هم در ایران زین پس نکند هیچ اهمال

(ایرج میرزا: ۱۹۲)

بیت فوق به قرارداد ننگین ۱۹۰۷ (۱۲۸۶ شمسی) موسوم به قرارداد «سن پترزبورگ» اشاره دارد. شاعر در بیت فوق، از واژه و اصطلاح رسمی و باب روز؛ یعنی واژه سیاسی «پلتیک» استفاده کرده و به شیوه طنز، به سیاست‌های انگلیس و روس در مورد ایران، در عصرش اشاره کرده است. همچنین در بیت دوم، ساختار آوایی در تکرار حرف حلقی (هـ) در کنار واژه «پلتیک»، بیانگر آه و ناله درونی و عمیق شاعر نسبت به این قرارداد ننگین می‌باشد. عهد کردن، کنایه از عهد و پیمان بستن است.

پودر: «(فر) «Poudre» گردوغبار، گرد سفید و خوشبو که زنان به صورت خود می‌مالند.» (عمید، ۱۳۵۹: ۱ / ۳۸۲)

پارفم: «(فر) کلمه پارفم یا پرفیوم (perfume) در بین فرانسوی‌ها به بوی خوش که در هوا پخش می‌شد، عطر می‌گفتند.» (همان: ۱ / ۳۷۵)

توالت: «(فر) «Tollette» مستراح، آرایش صورت (معمولاً در مورد زنان)» (انوری، ۱۳۸۲:

۶۷۷/۱)

البته امروزه، وام‌واژه «توالت» به جز در واژه‌های مرکبی چون «میز توالت» که به معنای میز آرایش است، به معنای آبریزگاه و مستراح استفاده می‌گردد؛ اما در بیت ذیل، با توجه به دیگر وام‌واژه‌ها همچون پودر و... منظور شاعر، محل آرایش و آرایشگاه می‌باشد:

از آن لطافت و آن پودر و پارفم و توالت شیبه مادمازل‌های برن و برلین است

(ایرج میرزا: ۱۵)

شاعر بیت فوق را در وصف قمرالملوک وزیری (۱۳۰۴-۱۲۵۴) سروده است که سالیان دراز ستاره درخشان آسمان هنر ایران بود. ایرج زمانی دل در گرو عشق قمرالملوک داشت. قمرالملوک، مادمازل اروپایی دوران تجددخواهی تاریخ معاصر است که ایرج میرزا در بیت فوق، با استفاده از واژگان (لطافت / پودر / پارفم / توالت) در قالب آرایه مراعات‌النظیر و همچنین واژگان (برن / برلین) در قالب آرایه جناس افزایشی، به توصیف وی پرداخته و زیبایی و عطر خوش او را برای مخاطب به تصویر کشیده است. همچنین بیت دارای آرایه تشبیه می‌باشد.

سیگار: «(فر) «cigare»، استوانه‌ای کوچک از توتون فشرده که آن را برای دود کردن در کاغذ نازکی پیچیده‌اند.» (قریب، ۱۳۷۷: ۶۲۷)، البته استفاده از تنباکو به اشکال مختلف در ایران رواج داشته است، اما وام‌واژه سیگار، همراه این نوع جدید از دخانیات وارد ایران شد و با گسترش روزافزون استفاده از آن، به‌عنوان وام‌واژه‌ای بی‌رقیب در زبان فارسی تا به امروز باقی مانده است:

چپق و کیسه نهم جیب و چپق‌کش گرم ترک این عادت دیرینه به سیگار کنم

(ایرج میرزا: ۳۸)

گر من ببرم از تو دو جوراب ستانم بستان تو یک قوطی سیگار زر از من

(همان: ۱۹۶)

در بیت اول، بین واژگان (چپق / کیسه / سیگار) آرایه مراعات‌النظیر، وجود دارد. بیت به اوضاع اجتماعی مردم و استفاده آنان از دخانیات همچون چپق و سیگار اشاره دارد. در بیت دوم نیز بین (قوطی / سیگار زر) آرایه مراعات‌النظیر است و همچنین دو فعل «بستانم / بستان» آرایه

جناس اشتقاقی دارد. بریدن از کسی، کنایه از قطع رابطه کردن است. بیت به اوضاع اجتماعی مردم و استفاده آنان از دخانیات همچون سیگار اشاره دارد.

دوئل «(فر)» «Duel»، «مبارزه دو نفره برای اعاده حیثیت یا کسب چیزی که با اسلحه سرد یا گرم و طی مراسم خاصی صورت می‌گیرد. این شیوه مبارزه در کشورهای غربی مرسوم بوده است.» (انوری، ۱۳۸۲: ۱ / ۱۰۸۳)

«دوئل» نوعی مبارزه به سبک غربی است که ایرج میرزا در بیت ذیل، وام‌واژه «دوئل» را در معنی کنایه جنگیدن به کار برده است:

من نه تو را بیهده ول می‌کنم گر ندهی بوسه دوئل می‌کنم

(همان: ۱۰۳)

این بیت برگرفته از مثنوی «زهره و منوچهر» است. در بیت فوق، شاعر با استفاده از زبان محاوره در کلمات «بیهده / ول کردن» و آوردن کلمه «بوسه» در کنار واژه «دوئل» به مضمون عشق و جنگیدن برای آن، اشاره کرده است.

راپورت: «(فر)» «Rapport» گزارش، بیان خبر، روایت، سخن‌چینی. (عمید، ۱۳۵۹: ۱ / ۶۸۱)
سبزه که جاسوس نباشد به باغ دادن راپورت نداند کلاغ

(همان: ۱۰۹)

شاعر در بیت فوق، معنای کهنه را با بیان نو عرضه کرده است. خبرچین بودن کلاغ به صورت راپورت دادن کلاغ آمده است. نسبت دادن جاسوس به سبزه، اسناد مجازی و تشخیص است. راپورت دادن، کنایه از گزارش دادن است.

اصطلاحات فرهنگی و ادبی

تئاتر: «(فر)» «Theatre» تماشاخانه، صحنه نمایش محلی که در آن نمایش‌نامه‌ای توسط هنرپیشگان و بازیگران اجرا شود. (عمید، ۱۳۵۹: ۱ / ۴۰۷) ایرج میرزا در مثنوی «عارف‌نامه» ضدیت خود را با حجاب بیان کرده است و با ذکر این نکته به مخاطبان که چادر مانع بی‌عفتی

نیست، کوشیده است، این تفکر را جا بیندازد که زن، حتی اگر بی حجاب باشد، می‌تواند عصمت و عفت خویش را حفظ کند. وی در بیت ذیل، با به‌کارگیری وام‌واژه «تئاتر»، این موضوع را چنین بیان کرده است:

اگر زن را بود آهنگ چیزی بود یکسان تئاتر و پای دیزی

(همان: ۷۹)

شاعر در بیت فوق، با استفاده از واژگان (چیزی / دیزی) در قالب آرایه جناس و همچنین با استفاده از کلمه «پا» برای «دیزی» در قالب آرایه مجاز، در پی آن است تا عزت‌نفس واقعی زن را، حتی بدون حجاب، برای به مخاطبان به تصویر بکشد.

رمان: «(فر) «Roman» داستان، افسانه، داستان خیالی که به نظم یا نثر پرداخته می‌شود.» (عمید، ۱۳۵۹: ۱ / ۷۰۷)؛ «رمان: داستان بلند و متشور.» (آریان پور، ۱۳۸۷: ۷۶۶)، رمان نوع جدیدی از ادبیات است که در ادبیات فارسی پیشینه تاریخی ندارد و در بیت ذیل، شاعر آن را به مجاز در معنی داستان، به کار برده است:

مگر زنان خوانده‌ام اندر رمان عشق زنان دیده‌ام از این‌وآن

(همان: ۱۰۷)

شاعر در بیت فوق، با استفاده از دو واژه متضاد (مگر / عشق) در کنار وام‌واژه «رمان» به خصوصیات دو دسته از زنان عاشق و مکار در رمان‌های موجود در عصرش اشاره کرده است. بین واژه‌های مکر، عشق و رمان آرایه تناسب به کار رفته است.

سینما: «(فر) «Sinema» ملخص کلمه سینما توگراف، هنر نمایش دادن سلسله تصاویر مناظر و اشخاص و اشیا و حرکات هنرپیشگان که بر روی فیلم ضبط می‌شود، بر روی پرده نصب می‌شود به وسیله دستگاه مخصوص.» (عمید، ۱۳۵۹: ۱ / ۸۲۵) سینما و فیلم به‌عنوان جادوی قرن در دوران اختراع آن، تحولی بسیار بزرگ و جذاب به حساب می‌آمده است. این تحول و پدیده نوظهور که سینما نام گرفت، در بیشتر زبان‌های ملت‌هایی که سینما وارد آنها گردید، وام‌واژه‌ای تثبیت شده به حساب می‌آید که همچنان تا به امروز بدون جایگزین به کار گرفته می‌شود.

در بیت ذیل، شاعر این واژه را در ساختار یک تشبیه به کار برده است:
این نقشه که بر نقشه گیتی پیداست سینمایی است که از دیده اختر گذرد

(همان: ۶۷)

شاعر در بیت فوق، یا تکرار دوباره واژه «نقشه» که تأکیدی بر وطن‌دوستی شاعر می‌باشد و تشبیه آن به وام‌واژه «سینما» در پی آن است تا وسعت سرزمینش را به‌وضوح نشان دهد، ایرج در این بیت به تاریخ این سرزمین اشاره کرده است و می‌گوید همه قدرت‌مداران به فکر منافع خود هستند و هیچ‌کس برای نجات آن نه تنها از جانش، بلکه حتی از سکه‌ای هم نمی‌گذرد و در این بیت، سینما نماد تاریخ کشور است. در بیت فوق «دیده اختر» استعاره کنایی یا تشخیص است.

اصطلاحات مربوط به مکان‌های مدرن

فابریک: «(فر) fabrik» واژه‌ای فرانسوی به معنای کارخانه و در اصطلاح آنچه در کارخانه سازنده اصلی ساخته شده باشد، اصل». (انوری، ۱۳۸۲: ۲ / ۱۶۱۷)

استفاده از وام‌واژه‌ها در زبان به اشکال مختلفی صورت می‌گیرد. گاه با استفاده از دستور زبان فارسی با هدف ایجاد معانی جدید و گاه ساخت انواع صفت، در آنها دست به دگرگونی زده‌اند. گاه این وام‌واژه‌ها بدون هیچ دگرگونی، اما با معنای دیگری در زبان به کار گرفته می‌شود. «فابریک» یکی از همین وام‌واژه‌هاست که در بیت ذیل به معنای «اصلی و نو» به کار گرفته شده است:
کاش چرخ از حرکت خسته شود در فابریکِ فلک بسته شود

(همان: ۱۲۶)

در بیت فوق، فلک به کارخانه‌ای تشبیه شده است که در فابریک دارد. همچنین بین کلمات (چرخ / حرکت / فابریک) مراعات‌النظیر وجود دارد. علاوه بر این، شاعر از آرایه جناس در کلمات (خسته / بسته) استفاده کرده است. خسته شدن چرخ، تشخیص و جان‌بخشی است.

هتل: «(فر) hotel» به معنای هتل و مهمانخانه». (عمید، ۱۳۵۹: ۱ / ۱۲۵۷)

رستوران: «(فر) Restaurant» مهمان‌خانه، جایی که در آن انواع نوشابه و اغذیه برای فروش آماده کنند و مردم در آنجا غذا بخورند». (عمید، ۱۳۵۹: ۱ / ۶۹۸) «رستوران» یکی از مکان‌های

مدرن به حساب می‌آمده که در دوره قاجار بر اثر گسترش روابط با غرب، ایجاد آن رواج پیدا کرد. ایرج میرزا در بیت ذیل، بدان اشاره نموده و در مقام دفاع از رواج و ایجاد آنها برآمده است:

زن روبسته را ادراک و هش نیست تئاتر و رستوران ناموس کش نیست

(همان: ۷۹)

شاعر در بیت فوق، با آوردن دو واژه ادراک / هش، هوش، به دفاع از عدم حجاب زنان می‌پردازد. وی همچنین با استفاده از واژگان (تئاتر / رستوران) در قالب صنعت مراعات‌النظیر، در پی طرفداری از مکان‌های مدرن در عصرش - یعنی تئاتر و رستوران - برمی‌خیزد.

کافه: «(فر) جایی که در آن، چای و قهوه و بستنی و امثال آن صرف کنند، قهوه‌خانه، چایخانه». (قریب، ۱۳۷۷: ۸۸۳)؛ «رستوران، کافه‌تریا». (صدری افشار، ۱۳۷۵: ۸۸۵) ایجاد ارتباط با غرب و اروپا در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی باعث دادوستدهای مختلف در این عرصه‌ها گردید. «کافه» نیز یکی از پدیده‌های جدید شهری بوده است که تحت تأثیر جوامع و فرهنگ غربی در ایران آن دوره ایجاد شده است.

روی سکوی فلان کافه خورم با او چای در دکان چلویی با او ناهار کنم

(همان: ۳۸)

واژگان (کافه / چای) و (دکان / چلویی / ناهار) آرایه مراعات‌النظیر دارد. ایرج در این بیت به ارتباط مردان و زنان و یا پسران و دختران در زمانه‌اش اشاره کرده و کافه محل ملاقات و دیدار آنان بوده است.

کلوپ: «(فر) «clob» باشگاه». (انوری، ۱۳۸۲: ۲ / ۱۸۳۱)

«کلوپ»‌ها از دیگر پدیده‌های شهری که همانند رستوران و کافه از فرهنگ و جوامع اروپایی گرفته‌برداری شده است؛ که پیش از آن در میان ایرانیان سابقه نداشته است. شاعر در بیت ذیل، «کلوپ» را به معنای محل نشاط و شادی به کار برده است:

در کلوپ‌ها نتوان کرد همه‌وقت نشاط در هتل‌ها نتوان برد همه عمر به سر

(همان: ۲۱۹)

شاعر در بیت فوق، با آوردن دو واژه (کلوپ / هتل) در قالب مراعات‌النظیر، به افکار غلط مردم زمانه‌اش که تصور می‌کردند در این مکان‌ها، عیش و نوش دائمی است، اشاره دارد.

اصطلاحات مربوط به وسایل غربی در زندگی روزمره

موتور: «(فر) «moteur» آنچه باعث حرکت می‌شود، عامل حرکت، موتورسیکلت.» (انوری، ۱۳۸۲: ۲ / ۲۳۲۳)

ترن: «(فر) «Train» قطار، دنباله، قطار راه آهن، واگن‌های مسافری یا باری که روی خط آهن حرکت کنند.» (عمید، ۱۳۵۹: ۱ / ۴۳۰)

«موتور» و «ترن» از جمله تکنولوژی غربی است که در دوران شاعر وارد ایران شد. ایرج میرزا این دو واژه را در یک بیت به کار برده و می‌گوید:

موتور نامیه از کار افتد ترن رشد ز رفتار افتد

(همان: ۱۲۶)

ایرج میرزا با اضافه کردن «نامیه» به «موتور» اضافه تشبیهی بدیعی (تشبیه بلیغ اضافی) ساخته است و همچنین ترن رشد تشبیه بلیغ اضافی است. وجه شبه آن سرعت است.

تلگراف: «(فر) «Telegraphe» (برق)، ۱- نوعی دستگاه مخابراتی که در آن به کمک سیم برق یا سیگنال‌های رادیویی، پیام از جایی به جای دیگر ارسال می‌شود. ۲- پیام نوشته‌شده‌ای که از طریق این دستگاه ارسال می‌شود.» (انوری، ۱۳۸۲: ۱ / ۶۵۶)

تلفن: «(فر) «Telephon» دستگاهی که به وسیله آن از مسافت دور با هم صحبت می‌کنند، دستگاه انتقال اصوات به وسیله سیم.» (عمید، ۱۳۵۹: ۱ / ۶۰۹).

از خصوصیات تلفن و تلگراف، سرعت در انتقال و پیام آنی بودن است که ایرج میرزا با آوردن این دو وام‌واژه، از این ویژگی‌های شاعرانه استفاده کرده است:

نه تلگراف به گردم برسد، نه تلفن که خدا سرعت سیر دگری داده مرا

(همان: ۳)

بیت فوق، برگرفته از حاصل دوره جوانی شاعر در ستایش (نظام‌السلطنه مافی) و اسب خواستن از وی می‌باشد. شاعر با آوردن عبارت کنایی (نه... به گردم برسد) در کنار واژگان «تلگراف / تلفن» و همچنین واژگان مراعات‌النظیر (سرعت / سیر) به سرعت زیاد خود در انتقال پیام شاعرانه به مخاطبان اشاره دارد.

چمدان: «(رو) واژه چمدان، در «فرهنگ واژه سخن» بدین معنا آمده است: «کیف بزرگ تقریباً مکعب مستطیل مشکی که معمولاً در آن لباس و لوازم شخصی سفر را می‌گذارند.» (انوری، ۱۳۸۲: ۱ / ۸۱)

کالسکه: «(رو) «kaleske» مأخوذ از زبان روسی، گردون چهارچرخ اطاق دار.» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۹ / ۲۴۴۰) «گردونه سواری که با اسب می‌کشند.» (آموزگار، ۱۳۵۰: ۶۸۳)

ایجاد روابط با جهان خارج، سبب ورود کالاهای و اجناس جدیدی به ایران گردید که این کالاهای و اجناس با اسامی خود وارد ایران شدند و به همان نام‌ها نیز در جامعه رواج یافتند. از جمله این واژه‌ها «چمدان» و «کالسکه» هستند. کالسکه‌ها شکل متجدد شده کجاوه و یا گاری هستند که تحت تأثیر جوامع متجدد اروپایی در ایران رواج پیدا کرد و در شعر ایرج میرزا تجلی یافت. وی می‌گوید:

دست و پا کن که خرید چمدان باید کرد فکر کالسکه راه همدان باید کرد

(همان: ۲۱۵)

در بیت فوق، ایرج میرزا عبارات «خرید چمدان» و «فکر کالسکه کردن» را به معنای کنایی «آماده سفر شدن» به کار برده است. همچنین عبارت کنایی «دست و پا کردن» کنایه از «آماده شدن» می‌باشد. واژگان «چمدان / کالسکه» مراعات‌النظیر دارد.

اصطلاحات علمی

هیپنوتیسم: «(فر) «hypnotism» علمی است که درباره هیپنوس یعنی خواب مغناطیسی یا خواب مصنوعی بحث می‌کند. طریقه‌ای که به وسیله آن انسان می‌تواند کسی را به خواب مغناطیسی برده. (عمید، ۱۳۵۹: ۱/۱۲۷۳)

به حیرتم ز که اسرار هیپنوتیسم آموخت فقیه شهر که بیدار را به خواب کند

(همان: ۱۳)

شاعر در بیت فوق، با استفاده از وام‌واژه «هیپنوتیسم» و کلمات (حیرت / اسرار) در قالب مراعات‌النظیر و واژگان (بیدار / خواب) در قالب آرایه تضاد، فقیهان به‌ظاهر متدین در عصرش را مورد چالش و نقد قرار داده است. شاعر بیت فوق را با طنزی ظریف ارائه می‌دهد؛ ارتباط بین هنر هیپنوتیزم با گمراه شدن مردم توسط فقیهان ظاهری، نکته جالب و ظریف این بیت می‌باشد. فقیه شهر، در بیت فوق، کنایه از عماد فقیه کرمانی است که در شعر شاعرانی همچون حافظ و دیگران، نماد ریا و خودنمایی به کار رفته است.

نتیجه

شعر مشروطه به پیروی از فضای سیاسی و اجتماعی کشور به شکلی از مقاومت‌گرایی در برابر واقعیت‌ها تغییر ماهیت داد. شاعران این دوره به تبعیت از شیوه شاعران غرب، چرخشی از لحاظ دگرگونی در فرم و ژانر ادبی در شعر پیدا کردند و به کار بستند. این تحول ادبی، سبب سرودن وام واژگان غربی در اشعار شاعرانی چون ایرج میرزا شد. کاربرد واژگان غربی در اشعار ایرج میرزا، گاهی به‌طور مستقیم در اختیار تصویرسازی بوده است و گاه فقط برای مضمون‌سازی در شعر، به کار برده شده‌اند که از آن میان، وام‌واژه فرانسوی از بالاترین بسامد برخوردار است. اکثر این واژگان در اشعارش به شیوه طنز به کار رفته است تا اوضاع فاسد زمانه شاعر را به‌خوبی برای مردم و خوانندگان به تصویر بکشد. ایرج میرزا در رابطه با اصطلاحات اداری، از وام واژگان غربی «بورو»، «آرشیو»، «پاراف»، «پرستل»، «پونز»، «پنس»، «دوسیه»، «کارتن»، «شمیز»، «نت»، «آنکیت»، «بروت»، «نت»، «شینفر»، «نومرو»، «زرو»؛ و در خصوص اصطلاحات نظامی، از وام واژگان غربی «آژان»، «پوتین»، «ژاندارمری»، «کلنل»، «ماژر»؛ و در رابطه با اصطلاحات اجتماعی و سیاسی، از وام واژگان غربی «پودر»، «پارفم»، «توالت»، «سیگار»، «پلتیک»، «امپریال»، «آمور»، «انزکسیون»، «دوئل»، «راپورت»؛ و در مورد اصطلاحات فرهنگی و ادبی، از وام واژگان غربی

«رمان»، «تئاتر»، «سینما»؛ و در رابطه با اصطلاحات مربوط به مکان‌های مدرن، از وام‌واژگان غربی «هتل»، «رستوران»، «کافه»، «کلوپ»، «فابریک»؛ و همچنین در رابطه با اصطلاحات مربوط به وسایل غربی در زندگی روزمره، از وام‌واژگان غربی «موتور»، «ترن»، «تلگراف»، «تلفن»، «چمدان»، «کالسکه»؛ و سرانجام در رابطه با اصطلاحات علمی، از وام‌واژه غربی «هیپنوتیزم» استفاده کرده است. از میان واژگان فوق، تنها واژه‌های «چمدان / کالسکه» روسی بوده و بقیه واژگان، فرانسوی هستند، این امر به تأثیرپذیری زیاد ایرج میرزا از واژگان و فرهنگ فرانسه برمی‌گردد. همچنین شاعر در خصوص تصویرسازی و مضمون‌آفرینی، بیشتر از صنایع بدیعی مراعات‌النظیر، جناس و تضاد و صنایع بیانی تشبیه و کنایه بهره برده است.

منابع و مآخذ

کتاب:

- انوری، حسن. فرهنگ فشرده سخن. تهران: نشر سخن، ۱۳۸۲.
- ایرج میرزا. دیوان اشعار ایرج میرزا. تهران: نشر قلم، ۱۳۹۷.
- آریان پور، منوچهر، فرهنگ انگلیسی - فارسی پیشرو آریانپور. تهران: شرکت نشر الکترونیکی، ۱۳۸۷.
- آریانپور کاشانی، عباس. فرهنگ کامل جدید انگلیسی به فارسی. تهران: چاپخانه سپهر، ۱۳۷۰.
- آرین پور، یحیی. از صبا تا نیما. تهران: انتشارات زوار، ۱۳۸۷.
- آموزگار، حبیب‌الله. فرهنگ آموزگار. تهران: انتشارات معرفت، ۱۳۵۰.
- باباصفری، علی. فرهنگ داستان‌های عاشقانه در ادب فارسی. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۲.
- بهار، ملک‌الشعرا. سبک‌شناسی، جلد سوم. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۴۹.
- پارسای، کامروز. فرهنگ فارسی - فرانسه دانشیار. تهران: نشر دانشیار، ۱۳۸۵.
- دلآوری‌زاده، محمدعلی؛ محمدی، جواد؛ مبروحی، کاظم. فرهنگ اصطلاحات سیاسی دلآوری‌زاده. تهران: نشر فرهنگ، ۱۳۷۲.

- دهخدا، علی‌اکبر. لغتنامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ذوالفقاری، حسن. منظومه عاشقانه فارسی. تهران: نشر چرخ، ۱۳۷۷.
- شفیعی کلکنی، محمدرضا. صور خیال در شعر فارسی. تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۵.
- صدری افشار، غلامحسین. فرهنگ فارسی امروز. تهران: نشر کلمه، ۱۳۷۵.
- عمید، حسن. فرهنگ فارسی عمید. تهران: انتشارات سپهر، ۱۳۵۹.
- فاطمی، سعید. اساطیر یونان و رم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
- فرای، نورترپ. تخیل فرهیخته، ترجمه سعید ارباب شیرانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۳۳.
- قرب، محمد. واژه‌نامه نوین. تهران: مؤسسه انتشارات بنیاد، ۱۳۷۷.
- کاتوزیان، محمدعلی، فرهنگ کاتوزیان، تهران: نشر یلدا، ۱۳۷۳.
- محمود، محمود. تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس. تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۲۸.
- معین، محمد. فرهنگ فارسی. تهران: نشر سپهر، ۱۳۶۲.

مقالات:

- توسلی، علی. «بوطیقای ایرج میرزا». مجله کتاب ماه ادبیات، شماره ۱۷۷، صص ۲۷-۲۱، تیر ۱۳۹۱.
- بایش، جبار زیاره. «التشبیه فی اشعار ایرج میرزا». مجله کلیه الآداب جامعه بغداد، شماره ۱۳۲، صص ۵۱۹-۳۰، ۲۰۲۰.
- جعفری کمانگر، فاطمه؛ فیروزجایی، ستاره. «بررسی وجوه هنری بیگانه‌سازی صورخیال مجموعه شعر میخانه خواب اثر مهدی فرجی». مجله تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، دوره ۱۲، شماره ۴۴، صص ۶۴-۲۳۵، تابستان ۱۳۹۹.
- حسینی کازرونی، سید احمد. «تحولات و ویژگی‌های شعر عصر مشروطه». نشریه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی، شماره ۱۱، صص ۲۸-۱۱، ۱۳۹۱.
- حکیمیان، ابوالفتح. «تحقیق پیرامون افسانه زهره و منوچهر». مجله هنر و مردم، شماره ۱۶۶-۱۶۵، صص ۵۶-۴۹، تیر و مرداد ۱۳۵۵.
- غلامحسین‌زاده، غلامحسین؛ طاهری، قدرت‌الله؛ رحیم بیگی، ساناز. «مشخصه‌های ادبی شعر گفتار». نشریه ادب پژوهی، دوره ۳، شماره ۹، صص ۵۰-۲۹، ۱۳۸۸.

کامران کله بستی، فاطمه. «تحوّلات سبکی شعر عصر مشروطه». کنفرانس بین‌المللی ادبیات و پژوهش‌های تطبیقی در آن. دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۴.

کمالی نهاد، علی‌اکبر؛ مصلح رشت‌آبادی، حرمت. «تحلیلی بر واژه و تصویر و نقش آنها در ساخت فضای شعر در غزلیات ملک‌الشعرا بهار». همایش ملی ملک‌الشعرا بهار، مشهد، ۱۳۹۶.

محسنی نیا، ناصر؛ اکبری، عالیله؛ دولتیاری، وحیده. «بررسی عنصر زیبایی بیرونی در شعر قلب مادر ایرج میرزا». اولین کنفرانس ملی تحقیقات بنیادین در مطالعات زبان و ادبیات، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، ۱۳۹۷.

Anvari, Hassan (2003), **Intensive Culture of Speech**, Tehran, Speech.

Iraj Mirz (2019), **Iraj Mirza Poetry Divan**, Tehran, Qalam.

Arianpour, Manouchehr (2008), **Pishro Arianpour English-Persian Dictionary**, Tehran, Electronic Publishing Company.

Arianpour Kashani, Abbas (1991), **Complete New English to Persian Dictionary**, Tehran, Sepehr Printing House.

Arianpour, Yahya (2008), **From Saba to Nima**, Tehran, Zavar.

Amoozgar, Habibaullah (1972), **Farhang Amoozgar**, Tehran; Knowledge.

Babasefari, Ali (2013), **Culture of Love Stories in Persian Literature**, Tehran: Publications of the Institute of Humanities and Cultural Studies.

Bahar, The Queen of Poets (1971), **Stylistics**, Vol. 3, Ch. 3, Tehran: Amirkabir.

Parsai, Kamrooz (2006), **Persian-French Culture Associate Professor**, Tehran, Associate Professor.

Delavarizadeh, Mohammad Ali; javad mohamadi; Kazem Mobrouhi (1993), **Dictionary of Political Terms Delavarizadeh**, Tehran, Farhang Publishing.

Dehkhoda, Ali Akbar (1998), **Dehkhoda Dictionary**, Tehran, University of Tehran.

Zolfaghari, Hassan (1998), **Persian love poem**, Tehran: Charkh.

Shafiee Kadkani, Mohammad Reza (1997), **Images of Imagination in Persian Poetry**, Tehran, Agah.

Sadri Afshar, Gholam Hossein (1997), **Farhang-e Farsi Emrooz**, Tehran, Kalmeh.

Amid, Hassan (1981), **Persian culture of Amid**, Tehran, Sepehr.

Fatemi, Saeed (1970), **Greek and Roman mythology**, Tehran: University of Tehran.

Fry, Northrop (1985), **Educated Imagination**, translated by Saeed Arbab Shirani, Tehran, University Publishing Center.

- Gharib, Mohammad (1998), **New Dictionary**, Bonyad Publishing Institute.
- Katozian, Mohammad Ali (1995), **Farhang Katozian**, Tehran, Yalda Publishing..
- Mahmoud, Mahmoud (1940), **History of Iran-Britain Political Relations**, Tehran, Iqbal Publications.
- Moin, Mohammad (1984), **Persian Culture**, Tehran, Sepehr Publishing.
- Tavassoli, Ali (1391). **Poetics of Iraj Mirza**. Book of the Month of Literature. (177), 21-27.
- Jafari Kamangar, Fatemeh and Firooz Jai, Setareh (1399). A Study of the Artistic Aspects of the Imagination of Imagination A Collection of Poetry Poems by Mehdi Faraji, Quarterly Journal of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda), 12 (44), 235-264. Doi: 10.30495 / dk.2020.677781
- Hosseini Kazeruni, Seyed Ahmad (1391). **Developments and characteristics of poetry of the constitutional era**. Journal of Educational and Lyrical Research in Persian Language and Literature. 11. 11-28.
- Hakimian, Abolfath. (1355). **Research on the myth of Venus and Manouchehr**. Art and people. 4. (165 and 166). 49-56.
- Ziareh Baish Jabbar (2020), **Al-Tashbiyyah in the poems of Iraj Mirza**, Journal of the whole of Baghdad University, number (132).
- Gholam Hosseinzadeh, Gholam Hossein (2009), **Literary Characteristics of Speech Poetry**, Journal of Literary Studies, 3 (9), 29-50.
- Kamran Koleh Basti, Fatemeh (2015), **Stylistic Developments of Poetry in the Constitutional Era**, International Conference on Literature and Comparative Research, Payame Noor University.
- Kamali Nohad, Ali Akbar, Mosleh Rashtabadi, Harmat (2018), **Analysis of words and images and their role in creating a poetic atmosphere in the lyric poems of the Queen of Spring Poets**, National Conference of the Queen of Spring Poets.
- Mohseni Nia et al. (2015), **Study of the element of external beauty in the poetry of Iraj Mirza's mother's heart**, the first national conference on fundamental research in the study of language and literature, Imam Khomeini International University.

A Study of Western Vocabulary and Terms in the Illustration and Thematic Creation of the Poetry of the Constitutional Era "Case Study of Iraj Mirza's Poems"

Ali Ghaempanah Tajabadi¹, Maryam Gholamreza Beigi Ph.D,^{2*}

Majid Hajizadeh Askari Ph.D³

Abstract

Loss is a dynamic and living phenomenon that changes over time and in its extent, many changes occur. One of its most important features is borrowing from other languages. In the constitutional period, this issue was done in the poems of poets such as Iraj Mirza, due to factors such as the prevalence of printing industry in Iran, familiarity of Iranians with European literature, translation and publication of European works, etc. Is. In this research, the authors have used a descriptive-analytical method and with the help of library tools to "study Western words and expressions in the illustration and thematic creation of Iraj Mirza's poems". The findings of the study indicate that Iraj used Western words in his poems and the frequency of French words in his poems in relation to administrative terms is the most Western words and social and political terms, military, Western tools. In everyday life, modern, cultural, literary, and scientific places are next in order. In this regard, the poet, more in a humorous way, has used novel and expressive industries in order to be able to acquaint people better with the situation of his time.

Keywords: Iraj Mirza, illustration, content creation, French words, Russian words.

1. PhD student, Department of Persian Language and Literature, Kerman Branch, Islamic Azad University, Shahid Haj Ghasem Soleimani University, Kerman, Iran.

Email: tajabadii@yahoo.com

2. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University-Shahid Haj Ghasem Soleimani University, Kerman, Iran. (Author)

Email beigi@iauk.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Shahid Haj Ghasem Soleimani University, Kerman, Iran.

Email: M.hajizadeh@iauk.ac.ir